

مطالبه ضرر و زیان از متهمین شرکت در منازعه

بر اثر بروز اختلاف عقیده در خصوص امکان مطالبه ضرر و زیان از متهمین شرکت در منازعه و صدور آراء مختلف در این زمینه و مطالعه نظریات حقوقدانان که در مجلات حقوقی منتشر شده، بنظر رسید که موضوع مذکور قابل تأمل بوده جای بحث بسیار دارد و هر کس میتواند در حد دانستنیهای خود، راجع باین مورد ب فکر پرداخته عقیده‌ای اظهار نماید.

لذا با توجه باین مقدمه ما نیز عنوان فوق را در چهار قسمت زیر مورد بررسی قرار میدهیم:

۱ - طرح مسئله

۲ - عقاید مختلف

۳ - دلایل پیروان هر عقیده.

۴ - نتیجه

۱ - طرح مسئله . دادرسی شهرستان بموجب کیفرخواست صادره و باستناد ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی « مثلاً برای ده نفر متهم بشرکت در منازعه منتهی بقتل ، درخواست مجازات کرده ، ورثه متوفی نیز بعنوان مدعی خصوصی بتبع کیفرخواست مذکور ، بدادگاه جنحه دادخواست تسلیم و مطالبه ضرر و زیان نموده‌اند .

سؤال این است . آیا دادگاه جنحه حق دارد در صورت صدور حکم بر محکومیت جزائی متهمان ، آنان را پرداخت ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز محکوم سازد . یا صدور چنین حکمی در مورد ضرر و زیان قانوناً ممنوع است ؟

هر پاسخی که برای این پرسش چه مثبت چه منفی ، در نظر گرفته شود توأم با مشکلاتی است که سبب ایجاد عقاید مختلف و اختلاف نظر گردیده‌است .

۲ - عقاید مختلف : بدیهی است در مورد پاسخ بسؤال مذکور پیش از دو

نظر قابل تصور نیست .

نظر اول اینکه: چون برحسب محتویات پرونده امر، دادسرا، مدعی خصوصی و دادگاه نمیتواند عامل اصلی قتل را از میان شرکت کنندگان در نزاع منجزاً معین نمایند و احتمال دارد که هر یک از آنان مرتکب قتل شده یا نشده و در نتیجه مسئول ضرر و زیان مدعی خصوصی باشد یا نباشد لذا طرح دعوی ضرر و زیان (بهیچ یک از این سه صورت، علیه کلیه متهمین و عده نا معین و یا تعدادی معین) قابل استماع نیست.

نظر دوم اینکه: ورثه متوفی میتوانند بعنوان متضرر از جرم به تبع کیفر-خواست دادسرا از عموم ماده قانون آئین دادرسی کیفری استفاده و بتقدیم دادخواست ضرر و زیان مبادرت نموده، کلیه و یا برخی از متهمین را بطور معین طرف دعوای خصوصی خود قرار دهند.

۳- دلائل پیروان هر عقیده، طبق نظر پیروان عقیده اول، تحقق واقعی مسئولیت حقوقی و جزائی در صورتی امکان دارد که بموجب دلائل کافی بتوان شخص مسئول را بدون تردید و منجزاً معین نمود. بنابراین چنانچه کسیکه مسئولیت متوجه اوست شناخته نشود یا مطابق فرض مندرج در ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی فردی باشد مردد بین افرادی معین، فی‌المثل یکی از میان ده نفر معین بنحویکه آن یک فرد میان آنان مشخص نباشد. مطالبه ضرر و زیان باستناد اصل برائت ممکن نیست. زیرا همانطور که ذکر شد، فرض آنست که در توجه مسئولیت بهریک از آنان تردید وجود دارد و در مقام تردید بموجب اصل همه اشخاص بری‌الذمه و فاقد مسئولیت هستند تا بطور قطع اشتغال ذمه و مسئولیت آنها باثبات برسد. لذا کلیه متهمان مبری از مسئولیت بوده دادگاه نمیتواند هیچیک را بپرداخت و جبران ضرر مدعی خصوصی محکوم سازد.

باتوجه باینکه استدلال فوق در مورد مسئولیت جزائی نیز صدق مینماید و اصل برائت در امور جزائی هم باید اجرا شود و در نتیجه متهمین از مجازات نیز تبرئه گردند، صاحبان عقیده اول، اعمال مجازات را برخلاف اصل و قواعد کلی تشخیص داده و صرفاً بعلت وجود نص صریح ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی عمل مقنن را مستنداً بحفظ نظام اجتماع پذیرفته‌اند.

برای طرفداری از عقیده دوم علاوه بر استفاده از عموم ماده قانون آئین دادرسی کیفری میتوان باصل کلی دیگری که پایه و اساس مقررات مسئولیت

در قانون مدنی و قانون جدید مسئولیت مدنی میباید استناد نمود که بموجب آن هیچ خساراتی نباید بدون تدارك و جبران بماند. مگر آنکه طبعاً قابل جبران نبوده یا بموجب نص صریحی از قانون عدم جبران آن تجویز شده باشد. این اصل مستند بنظام حقوقی و نظم عمومی و اجتماعی است و حتی برخی از اساتید عقیده دارند: شرط خلاف آن در قراردادهای خصوصی نیز باطل است.

حال با توجه باصل اساسی مذکور چگونه میتوان باین علت که عامل اصلی ضرر در منازعه معلوم و معین نیست همگی متهمان را از تأدیه و جبران خسارت معاف نمود و ضرر را بدون تدارك باقی گذاشت. در صورت قبول نظریه دوم آیا میتوان پاسخ قانع کننده‌ای برای ایرادی که صاحبان عقیده اول مطرح نموده‌اند و در خور توجه است بدست آورد؟ بنظر میرسد استناد آنان باصل برائت بلاشکال نباشد زیرا مورد بحث مجرای اصل مذکور نبوده باصل دیگری که شرح داده خواهد شد معارضه مینماید.

توضیح آنکه اصل برائت و سایر اصول عملیه وقتی قابل اجراست که این دو شرط وجود داشته باشد.

۱ - انتساب بزه و توجه مسئولیت حقوقی بشخص یا اشخاص مورد نظر مشکوک و مردد باشد.

۲ - اجرای اصل مخالفتی با امری معلوم و قطعی (با علم و قطع) ننماید شرط اول که مقتضی تحقق اصل تلقی میشود در موضوع مورد بحث ما (منازعه) مشاهده میشود زیرا فرض ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی این است که مباشرت هر یک از متهمان در قتل محل تردید است. ولی شرط دوم که عدم آن مانع تحقق اصل محسوب میگردد. موجود نیست چه اجرای اصل برائت نسبت بتمام متهمان با علم و قطع مبتنی براینکه مسلماً یکی از آن متهمان مرتکب قتل گردیده و قاتل خارج از آنان نیست مخالف است بعبارت دیگر گوا اینکه دادگاه باتبرئه همه متهمان اصل برائت را محترم شمرده لکن در عین حال امری واقعی و قطعی را نادیده گرفته است.

این بیانی است از اصلی دیگر بدین مضمون که رفع اشتغال یقینی مستلزم حصول برائت یقینی است. بدین معنی که مثلاً اگر شخصی یقین دارد و میداند

که مبلغی بیکی از دو دوست خود مدیون است ولی مردد است و نمیداند بکدام از آن دو برای حصول برائت یقینی ذمه خود چاره‌ای ندارد جز آنکه مبلغ مذکور را بپرد و آنها بپردازد. اگر چه دو برابر دین خود را پرداخته است و اگر باین استدلال که اشتغال ذمه‌اش باین دوست مردد است - اصل برائت - و اشتغال ذمه او بآن دوست نیز مردد است - باز اصل برائت - و باین ترتیب دین خود را بهیچ یک تأدیه ننماید مسلماً ذمه او بری نشده و با امری قطعی و مسلم که اشتغال ذمه اوست مخالفت نمود است. همچنین است اگر بدون مرجح یکی را انتخاب و دین را باو بپردازد. بنابراین اگر میخواهد یقین حاصل کند که اشتغال ذمه از میان رفته باید دین مورد بحث را بپرد و بپردازد این است که برقراری مجازات در ماده ۱۷۵ بر خلاف اصلی کلی نیست. زیرا اگر مقنن نیز بخواهد بطور قطع هیچ جرمی بدون مجازات نماند باید تمام شرکت کنندگان در نزاع را بمجازات برساند. تایقین حاصل کند که در این میان عامل اصلی قتل یا ضرب و جرح نیز بمجازات رسیده است النهایه چون اجرای عین مجازات جرائم مذکور نسبت بهممه بر خلاف انصاف و عدالت است خود مجازات خاصی در نظر گرفته و در ماده ۱۷۵ برای مورد منازعه و ماده ۱۷۵ مکرر برای غیر مورد منازعه مقرر نموده است.

منظور از توضیحاتی که گذشت و بعنوان پاسخ ایراد صاحبان عقیده اول ذکر شد. اثبات این امر بود که اصل برائت مورد استناد آنان بلامعارض نبوده و اجرای مجازات ماده ۱۷۵ و ۱۷۵ مکرر قانون مجازات عمومی بر مبنای اصل دیگری استوار بوده خلاف اصول کلی نیست والا اشکالی که برای محکوم ساختن متهمان بشرکت در منازعه بجبران ضرر و زیان مدعی خصوصی مطرح شد بحال خود باقی است و باید آنرا بدلیل دیگری که در تحت عنوان نتیجه مورد بحث قرار خواهد گرفت مسئول جبران زیان ناشی از قتل و ضرب و جرح دانست.

نتیجه. نتیجه که از بحث خود میگیریم این است که طرفداران عقاید مذکور تمام توجه خود را باین نکته معطوف داشته و آنرا مسلم دانسته‌اند که بزه مندرج در دو ماده ۱۷۵ و ۱۷۵ مکرر مجازات عمومی قتل و ضرب و جرح است و در پی شناختن عامل اصلی این جرائم است که با استدلالهایی که گذشت متوسل میشوند و حال آنکه این چنین نیست زیرا عملی را که مقنن در موارد مذکور مجازات میکند فقط شرکت در نزاع است و این برای تعیین میزان مجازات است که به نتیجه

حاصله از نزاع مراجعه مینماید (البته وصف خاصی را برای تحقق بزه شرط قراردادند و آن شرط این است که ایجادکننده اصلی ناشی از نزاع مشخص نباشد.) این تنها موردی نیست که قانون برای تعیین میزان مجازات به نتیجه عمل مجرمانه توجه میکند در ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی و مواد مربوط بقانون تشدید مجازات رانندگان جرم ایراد ضرب و جرح و صدمه است و مجازات بر حسب نتیجه تفاوت میکند.

اگر این عقیده پذیرفته شود کلیه اشکالاتی که مطرح بود از میان خواهد رفت و موضوعاً منتفی میشود زیرا مسلماً هر یک از متهمان در ارتکاب جرم یعنی در بزه شرکت در منازعه منجر بقتل یا ضرب و جرح مداخله داشته چون مدعی خصوصی نیز از جرم متضرر شده هر یک از آنان (شرکت کنندگان در نزاع) باید ضرر و زیان او را بقدر سهم خود (بهراندازه که ایجاد خسارت مؤثر بوده) تدارک نمایند.